

تبیین اثرگذاری ژئواکونومی در رقابت‌های عربستان و قطر

دکتر عباس مصلی‌نژاد - استاد علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۸

DOR: 20.1001.1.17354331.1400.17.2.1.4

چکیده

رقابت و تنش سال‌های اخیر بین عربستان سعودی و قطر، موضوعی ریشه‌دار بوده که نباید دلایل آن را صرفاً در مسائل هویتی، ایدئولوژیکی و سیاسی جستجو کرد. مهم‌ترین وجه رقابت‌های این دو کشور ناشی از انگیزه‌های ژئوپلیتیکی متأثر از پویایی‌هایی ژئواکونومیکی است. اولین نشانه این رقابت‌ها از سال ۱۹۹۵ و در نتیجه اختلافات طولانی بر سر منابع گاز طبیعی به وجود آمد. از همان زمان گاز طبیعی به عنوان مهم‌ترین پیشران رقابت‌های دو کشور محسوب شده است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و بررسی تمام اطلاعات در دسترس در پی تبیین ژئواکونومیکی رقابت‌های عربستان و قطر از منظر اقتصاد سیاسی به عنوان یکی از پایه‌های اصلی تحلیل مناسبات ژئوپلیتیکی است. نتایج نشان می‌دهد، ابعاد مختلف رقابت‌های ژئواکونومیکی قطر و عربستان را می‌توان در مسائلی چون کنش‌های منطقه‌ای رقابت‌های گازی عربستان و قطر، کنش‌های بین‌المللی رقابت‌های گازی قطر و عربستان، رقابت در سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، رقابت در خطوط هوایمایی و توریسم، رقابت در حوزه رسانه‌ای و رقابت‌های ورزشی دسته‌بندی کرد.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، ژئواکونومی، اقتصاد سیاسی، عربستان، قطر.

۱. مقدمه

برخلاف تفکر رایج متأثر از فضای جنگ سرد، امنیت، امروزه صرفاً بعدی نظامی ندارد، بلکه وجه اقتصادی آن در رقابت‌ها و کنش‌های بازیگران مختلف از اثرگذاری بیشتری برخوردار است. در همین راستا تحولات و قواعد ژئواکونومیکی سهم بیشتری از ابعاد تحلیلی و تبیینی روابط بازیگران در مقیاس‌های خرد و کلان را به خود اختصاص داده است. از این رو قرن بیست و یکم را می‌توان دوره تسلط مفاهیم جدیدی چون ژئواکونومی و اثرگذاری اقتصاد سیاسی دانست. در واقع دوران اندیشه «ژئواکونومی» عصر جدیدی است که نقش کشورها و کنشگری آنها، منوط به توانمندی‌های اقتصادی نقش‌آفرینی است. از این رو نیاز به تحلیل اقتصاد سیاسی به عنوان یک چارچوب مفهومی در تحلیل مناسبات قدرت‌ها در سطوح مختلف می‌تواند به عنوان بعد نوینی از تحلیل‌های استراتژیک قلمداد شود. در جهان امروز، الزامات فضای مجازی و شبکه‌ها، همه کشورها را در سطوح مختلف دارای رقبای بالفعل و بالقوه‌ای نموده است. در جریان رقابت دو کشور، گسترش حوزه نفوذ و اعمال قدرت بیشتر، استفاده از تاکتیک‌های سیاسی و اقتصادی و یا تسلط بر یک قلمرو خاص می‌تواند باعث تغییر روند رقابت به نفع یک طرف و به ضرر طرف دیگر شود. در همین چارچوب یکی از هوشمندانه‌ترین اقدامات مدیران و تصمیم‌گیران ارشد هرکشوری، به کارگیری ابزارهای نرم در پیشبرد مقاصد و اهداف ملی است (Mohammadifar et al, 2019:226). می‌توان ادعا کرد که، اقتصاد سیاسی بر دو بنیان اساسی یعنی ویژگی گروه‌های اجتماعی و ویژگی‌های دولت استوار است (Moemeni and zamani, 2013:10). هر نظام سیاسی، دارای اقتصاد سیاسی ویژه و مختص به خود می‌باشد و مسیر تخصیص منابع کمیاب را میان رقابت کنندگان تعیین می‌نماید (Edel, 2001:67). شایان ذکر است: امروزه، امر اجتماعی با تمرکز بر مسائل مالی و اقتصادی در تحلیل‌های سیاسی و جامعه‌شناختی را نمی‌توان کنار گذاشت (Clark and Harvor, 2010:427). منطقه خاورمیانه یکی از مهم‌ترین و پرتنش‌ترین مناطق جهان است که بستری برای درگیری، همکاری و رقابت شده است. اگرچه رادیکالیزه شدن تحولات خاورمیانه در سال‌های بعد از جنگ سرد ماهیت ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی داشته و خواهد داشت (Mossalanejad, 2014:8). یکی از مهم‌ترین

الگوهای رقابتی در خلیج فارس، رقابت‌های ایدئولوژیکی است که رقابت‌های سیاسی و اقتصادی را نیز در پی دارد. علی‌رغم حمایت‌های ظاهری و باطنی شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، روابط دو یا چند جانبه آنها متأثر از تحولات مختلف دچار نوسانات و گاه تنش‌های سیاسی شدید شده است. روابط قطر و عربستان بویژه پس از ناآرامی‌های جوامع عربی در ابعاد و مقیاس‌های مختلفی قابل بررسی و تحلیل است. عربستان و قطر علی‌رغم اشتراکات سیاسی و هویتی رقابت‌های زیادی با یکدیگر در سیستم ژئوپلیتیکی خلیج فارس دارند. قطر با جمعیتی اندکی بیش از ۲ میلیون نفر و مساحت ۱۱،۴۹۳ کیلومتر مربع، در زمره کشورهای ریز قدرت دسته‌بندی می‌شود، اما این کشور به واسطه ذخایر گسترده هیدروکربنی و پیگیری اهداف بلند پروازانه در حال برجسته کردن خود به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در منطقه است. از سوی دیگر عربستان سعودی که داعیه رهبری جهان اسلام را دارد، تحرکات قطر و نقش‌آفرینی آن را در موضوعات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به مثابه تهدیدی برای خود تلقی می‌کند. در رابطه با اختلافات و رقابت‌های قطر و عربستان به مواردی همچون رقابت بر سر رهبری منطقه‌ای در جهان عرب، اختلافات سرزمینی و ادعاهای دو کشور نسبت به یکدیگر و تفکرات اخوانی حاکم بر حاکمیت و سیاست می‌توان اشاره کرد که در منابع گوناگون بدان‌ها پرداخته شده است. از این رو این مقاله با بهره‌گیری از رهیافت ژئواکونومی در پی تحلیل رقابت‌های قطر و عربستان از منظر اقتصاد سیاسی در راستای هژمونی طلبی منطقه‌ای است.

۲. روش پژوهش

روش اصلی مقاله حاضر، تحلیلی - تبیینی با استفاده از چارچوب ژئواکونومی در راستای تبیین رقابت‌های عربستان و قطر از منظر اقتصاد سیاسی است. در این راستا از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است.

۳. مبانی نظری

۳-۱. اقتصاد سیاسی

از دیدگاه روش‌شناسی، علم اقتصاد بیشتر رویکردی اثباتی و فارغ از ارزش‌ها را تعقیب می‌کند و رسالت اصلی خود را کمی‌پذیری شاخص‌های اقتصادی رویکردهای تجربی و علوم انسانی

می‌داند در حالی که در اقتصاد سیاسی تاکید بر جنبه‌های هنجاری و کیفی پدیده‌هایی است که مورد تحلیل و مطالعه قرار می‌گیرد (Mossalanejad, 2019:6). اقتصاد سیاسی بخشی از دانش اقتصاد است که از رابطه میان سیاست و اقتصاد و بویژه از نقش قدرت سیاسی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی بحث می‌کند. به بیان دقیق‌تر موضوع اقتصاد سیاسی عبارت از بررسی جریان‌های اجتماعی و نهادهایی که از طریق آنها، گروه‌های معینی از طبقات دارای نفوذ اقتصادی - سیاسی، تخصیص منابع کمیاب را در جهت ایدئولوژی و منافع خود مهار می‌کنند (Moemeni and zamani, 2013:10). بنابراین یکی از مباحث عمده اقتصاد سیاسی برنامه‌ریزی و تخصیص منابع مالی است، طبق این چارچوب سیاست و اقتصاد شبیه هم هستند زیرا هم در کارکردهای سیاست و هم در کارکردهای اقتصاد، تخصیص و توزیع منابع نهفته است. بطوری که شکل‌گیری حکومت، نهادها و مستندات سیاسی (قانون و برنامه‌ریزی) در جهت حفظ نظم و توزیع بهینه منابع نظیر کالاهای عمومی و دستیابی به توسعه می‌باشد. نقطه‌ی مشترک تمام نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی مؤید اهمیت نقش سرآمدان اقتصادی و قدرتمندان سیاسی در توزیع و تخصیص این منابع می‌باشد (Shreapoor, 2019:175). اقتصاد سیاسی با چیزی بیش از بررسی کارکردهای محض اقتصادی، همانند عرضه و تقاضا سرو کار دارد و بیشتر با حوزه‌های سیاست، جامعه‌شناسی و از جمله با سکونتگاه‌های جغرافیایی اجین شده است (Gallaher, 2009:133). در دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا تأکید بر آن است که چشم انداز در ارتباط تنگاتنگ با شیوه‌ی تولید اقتصادی و عملکرد نیروهای اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرد (Zieleniec, 2007:2). در اقتصاد سیاسی منافع ناهمگون گروه‌های اجتماعی، شکل‌گیری تضاد اجتماعی حاصل از سیاست‌گذاری، تأثیر بازتوزیع منابع بر قدرت سیاسی رقیب و دست‌کاری سیاسی بازارهای اقتصادی نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱-۳. اقتصاد سیاسی داخلی و بین‌المللی

تعاملات اقتصاد سیاسی در هر دو عرصه داخلی و بین‌المللی جریان دارد. تمایز میان دو حیطة داخل و خارج معطوف به بنیان‌های نظریه شکل‌گیری دولت‌های ملی و به ویژه مسئله حاکمیت ملی دولت‌های مستقل است. شایان ذکر است: این امر از سوی صاحب نظران واقع‌گرای سیاست

بین‌المللی نیز مورد تاکید قرار گرفته است. امروزه با نفوذپذیر شدن حاکمیت ملی کشورها، به سبب گسترش ارتباطات بین‌المللی و شکل‌گیری الگوهای جدیدی از حاکمیت میان کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه، تمایز میان داخل و خارج به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و مرزهای معنایی آن در حال تغییر و تحول است. با وجود این هنوز هم می‌توان در روابط اقتصادی به جنبه‌هایی اشاره کرد که نشان دهنده نقش دولت‌ها در روابط اقتصادی داخلی، منطقه‌ای و جهانی است. سرشت و قلمروی مشارکت یک کشور در اقتصاد جهانی به شدت متأثر از تصمیمات سیاسی اتخاذ شده در داخل مرزهای آن کشور می‌باشد، در درون مرزهای یک کشور گروه‌های مختلفی در عرصه روابط اقتصادی جهانی حضور می‌یابند که منافع آنها منجر به بروز کشمکش‌های سیاسی و در نتیجه ارتقاء نقش دولت به عنوان مرجع نهایی حل منازعه در داخل خواهد شد. از یک سو دولت‌ها با اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی بر مناسبات اقتصادی داخلی، تأثیر می‌گذارند و از سوی دیگر، میزان موفقیت آنها در افزایش رفاه اقتصادی به ماندگاری بیشتر آنان در رأس قدرت می‌انجامد (Mossalanejad, 2019:8). از سوی دیگر در عرصه اقتصاد سیاسی مناسباتی برقرار است که علی‌رغم میل و خواسته دولت‌ها در روندهای اقتصادی تأثیرگذارند: این دسته از مناسبات خارج از حوزه اقتصاد سیاسی داخل قرار می‌گیرد و تحت عنوان اقتصاد سیاسی بین‌المللی از آن یاد می‌شود. در واقع کشورهای گوناگون از طریق مذاکره و توافق با یکدیگر، وارد تعاملات اقتصادی می‌شوند. البته، برتری آنها در عرصه مناسبات قدرت، نقش موثری در تعیین میزان دفاعشان از ورود بر عرصه مناسبات اقتصادی دارد. بر این اساس، مناسبات اقتصادی بر اساس میزان قدرت و نفوذ سیاسی کشورهای درگیر به دو شکل متصور می‌باشد: نخست، مناسبات اقتصادی میان دولت‌های قوی از جایگاهی ممتاز در عرصه مناسبات بین‌المللی داشته و از طریق ایجاد نهادهای همکاری دو یا چندجانبه، به تثبیت و ارتقای نقش اقتصادی خود می‌پردازند؛ مناسبات میان دولت‌های قوی و ضعیف که در دوران سرمایه‌داری و اشکال مختلف از جمله امپریالیسم قابل مشاهده است.

۲-۳. رقابت^۱

رقابت و سایر واژه‌های مشتقه از آن مانند رقابت‌پذیری و یا مزیت رقابتی، موضوع کانونی بسیاری از مباحث پیرامون توسعه و سیاست‌گذاری در حوزه‌ها و مقیاس‌های مختلف می‌باشد. معنایی که اکثر مدیران استراتژی از مفهوم رقابت در ذهن دارند، رقابت به معنای نابود کردن رقیبان و به عبارتی تلاش برای بهترین بودن را تداعی می‌کند که بیش از آنکه دارای بار ایجابی باشد دربرگیرنده معنای سلبی است. نظریه‌ی نئوکلاسیک، رقابت را یک موقعیت تعادلی می‌پندارد و آن را براساس ساختار بازار و تعداد بنگاه‌ها و شباهت آنها تعریف می‌کند. از سوی دیگر منتقدین این نظریه همچون هایک، شومپتر، و روژن معتقدند رقابت فرآیندی است که با تغییر دائمی، ابداع و نوآوری همراه است و اساساً تعادل ویژگی رقابت نمی‌باشد. رقابت فرآیندی است پویا برای کشف ناشناخته‌ها که در طی آن روش‌های تولید و محصولات برتر معرفی می‌شوند. مخالفین نظریه نئوکلاسیک رقابت به جای تأکید بر همگنی محصول و شباهت بنگاه‌ها معتقدند هر بنگاه در بازار برای کسب مزیت رقابتی می‌باید قادر به تغییر ویژگی‌های خود باشد و محصول و خدمات خود را به شکلی متفاوت از سایر رقبای ارائه دهد (Khodad kashi, 2009: 25). چیزی که در نظر مایکل پورتر به مفهوم رقابت نزدیک است، رقابت برای منحصر به فرد بودن است. پورتر معتقد است، رقابت فقط در قیاس با سایر بازیگران آشکار نمی‌شود. در عوض، رقابت در یک صنعت، ریشه در بنیان‌های اقتصادی آن دارد همچنین نیروهای رقابتی نیز وجود دارند که فراتر از بازیگران حاضر در یک صنعت خاص بر محیط تأثیرگذار هستند. از جمله این عوامل می‌توان به مشتریان، تأمین‌کنندگان مواد اولیه، متقاضیان بالقوه و محصولات جایگزین رقبای اشاره کرد که بسته به صنعت، ممکن است کم و بیش برجسته یا فعال باشند (Porter, 1979: 137). واژه رقابت دو دیدگاه مغایر را دربرمی‌گیرد: رقابت به عنوان یک ساختار و رقابت به عنوان یک فرآیند. در دیدگاه، اول «رقابت» توصیفی است از

1.Competition

2.Michael E. Porter

ساختار و در دیدگاه دوم، ویژگی بنگاه‌ها در شکل‌گیری مبارزه و رقابت نقش بسیار مهمی دارد و رقابت بر حسب تغییر موقعیت رقبا اندازه‌گیری می‌شود (Khodakashi, 2009: 33). رقابت تلاش دو یا چند گروه، ملت و کشور برای نفوذ یا سلطه در منطقه یا جهان یا دسترسی به منابع فضایی (اعم از مادی و معنوی) است. رقابت در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک بدون مقیاس معنا ندارد و فلسفه قانون رقابت، استیلا، برتری و دست‌یابی به فرصت‌هاست. در این بین، اقدامات عملی برای رهبری یا نفوذ در یک کشور، منطقه یا جهان شکل رقابت به خود می‌گیرد (Ahmadi et al, 2018: 202). رقابت‌های بازیگران مختلف می‌تواند در سطوح مختلفی صورت پذیرد، رقابت‌های ذهنی و انتزاعی، رقابت‌های کلامی و محاوره‌ای و در نهایت سطح رفتاری با تظاهر فضایی (Ahmadipoor et al, 2013: 155) که بیشتر از سایر حوزه‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

۱-۲-۳. رقابت ژئوپلیتیکی

رقابت‌های ژئوپلیتیکی متأثر از عوامل و پیش‌رانه‌هایی است که به عنوان اهداف چنین رقابت‌هایی می‌تواند مورد توجه واقع شود. در این رابطه می‌توان کسب برتری در مقابل رقیب یا رقا، مهار آنها، گسترش حوزه نفوذ، مقاومت در مقابل رقا و در نهایت سلطه‌جویی و هژمونی‌طلبی را به عنوان مهم‌ترین اهداف رقابت‌های ژئوپلیتیکی در عرصه‌های مختلف و در مقیاس‌های گوناگون به شمار آورد. در واقع رقابت از هر نوع نقطه مقابل تعامل و همکاری است و زمانی به وقوع می‌پیوندد که ارزش یا مزیتی مورد توجه بازیگر یا بازیگران قرار می‌گیرد که نمی‌تواند برای خود در آن شریک یا رقیب را متصور باشند. بدیهی است که رقابت می‌تواند در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی به وقوع بپیوندد. لازمه شکل‌گیری رقابت از هر نوع آن را می‌توان عناصری چون موضوع و یا سوژه رقابت، رقا یا بازیگران، پراکسیس یا عمل رقابت و در نهایت محیط رقابت به حساب آورد. در واقع وقوع رخدادی تحت عنوان رقابت بدون وجود عناصر مزبور غیرقابل تصور است. پس زمانی رقابت ژئوپلیتیکی مطرح می‌شود، که فضا و ارزش‌های فضایی مورد توجه بازیگران واقع شده باشد. رقابت‌های ژئوپلیتیکی بسته به تعداد بازیگران و موضوعات می‌تواند در صورت هم‌افزایی با شرایطی چون خصومت‌های نهادینه شده، مشاجرات

حل نشده و تضادهای بنیادی تبدیل به منازعه و درگیری شود.

۳-۳. ژئواکونومی

ساختارهای مادی قدرت، منافع و ژئوپلیتیک، از نقش تعیین کننده و تأثیرگذاری در تحولات جهانی و منطقه‌ای و تعاملات بازیگران مختلف برخوردار گردیده‌اند (Mossalanejad, 2012: 137). ایده اصلی ژئواکونومی و توجه به ابزارهای اقتصادی در امور نظامی و کشورداری از قدیم مورد توجه بوده است. بخصوص در استراتژی‌های قدیمی چینی برای پیروزی غیرنظامی سون تسو^۱ می‌گوید: بهترین نوع برتری به زانو درآوردن ارتش دشمن بدون جنگ است. اگر بتوان منابع رقبا را کنترل کرد، او وادار به تسلیم در برابر شما خواهد شد (Soilen, 2012: 45). ژئواکونومی در چارچوب مفهومی علم ژئوپلیتیک جای دارد و در واقع بعد اقتصادی ژئوپلیتیک را شامل می‌شود (Hafeznai, 2017: 66). اصطلاح ژئواکونومی با وجود کاربرد زیاد، هنوز تعریف دقیق و مشخصی ندارد. برخی ژئواکونومی را استفاده از قدرت ژئوپلیتیک یا نظامی برای رسیدن به اهداف اقتصادی می‌دانند. برخی دیگر تعریف موسع دارند و آن را درهم‌تنیدگی اقتصاد بین‌الملل، ژئوپلیتیک و استراتژی می‌دانند. برخی دیگر بر تجارت و حمایت از صنایع داخلی بدون در نظر گرفتن جنبه‌های ژئوپلیتیکی تأکید دارند. گروهی نیز استفاده از این واژه را برای بررسی سنتی تجارت بین‌الملل و تحریم‌ها محدود می‌کنند. در نهایت عده‌ای نیز این واژه را تقریباً برای تمام فعالیت‌های اقتصادی داخلی و خارجی به کار می‌برند و قدرت طرح‌ریزی یک کشور را با قدرت یا ضعف اقتصادی داخلی آن مرتبط می‌دانند. کشوری که برای مدت طولانی از تقویت قدرت اقتصادی خود غفلت کند، از نظر ژئوپلیتیکی نمی‌تواند نقش مهمی ایفا کند. با توجه به تعدد تعاریف در این خصوص می‌توان خلاصه‌ای از آنها را به صورت زیر بیان کرد:

- ژئواکونومی استفاده از ابزارهای اقتصادی برای تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی است.
- ژئواکونومی، به کار بردن ابزارهای اقتصادی برای کشورداری است.
- ژئواکونومی یک روش تحلیل و یک شکلی از کشورداری است و ابعاد گسترده‌ای دارد.

- ژئواکونومی ادامه منطق ژئوپلیتیک و ترکیبی از آن منطق با ابزارهای اقتصادی در عصر جهانی شدن است.

- ژئواکونومی، چگونگی اقدام یک دولت برای ایجاد و اعمال قدرت با استفاده از عوامل اقتصادی، نه عوامل صرفاً جغرافیایی است.

ژئواکونومی مطالعه جنبه‌های فضایی، فرهنگی و استراتژیک منابع با هدف به‌دست آوردن یک مزیت رقابتی پایدار است. مزیت رقابتی یعنی اینکه ما چه چیزی می‌توانیم تولید بکنیم که هیچ‌کس به اندازه ما در آن تخصص ندارد و نه کیفیتش از ما بهتر می‌شود و نه قیمتش از ما پایین‌تر می‌شود. امروزه هر کشوری که کالایی تولید می‌کند (منظور تولید غالب است که با آن شناخته می‌شود) اگر مزیت رقابتی نداشته باشد، یا گران تمام می‌شود یا با کیفیت پایین بوده و به مردم تحمیل می‌شود که این کار منطق اقتصادی ندارد. به نظر می‌رسد یک تعریف سه بخشی از ژئواکونومی می‌تواند تا حدود زیادی جامعیت داشته باشد: "ژئواکونومی استفاده از ابزارهای اقتصادی برای دفاع از منافع ملی و تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی؛ و تأثیر اقدامات اقتصادی سایر ملت‌ها بر اهداف ژئوپلیتیکی کشور است." اولین بخش، استفاده از ابزارهای اقتصادی برای پیشینه کردن و دفاع از منافع ملی؛ دومین بخش، فهم اینکه چگونه (حداقل از نظر تئوریک) قدرت اقتصادی داخلی می‌تواند موجب ارتقای تصویر قدرت یک کشور در نظام بین‌الملل شود؛ و سومین بخش، تأثیر اقدامات اقتصادی دیگر ملت‌ها و کشورها بر اهداف ژئوپلیتیکی کشور (Mokhtari Heshi, 2018:57-58).

کشورها و بازیگران مختلف سیاسی در راستای استراتژی‌های ژئواکونومی از ابزارهای متنوعی بهره می‌برند این ابزارها عبارتند از: سیاست‌های تجاری، سیاست‌های سرمایه‌گذاری، تحریم‌های اقتصادی، کمک‌های اقتصادی، سیاست‌های پولی و مالی، سیاست‌های ملی حاکم بر انرژی و کالاها.

۴. یافته‌ها

ابعاد مختلف رقابت‌های ژئواکونومیکی قطر و عربستان را می‌توان در مسائلی چون کنش‌های منطقه‌ای رقابت گازی عربستان و قطر، کنش‌های بین‌المللی رقابت گازی قطر و عربستان، رقابت

در سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، رقابت خطوط هواپیمایی و اقتصاد گردشگری، رقابت در حوزه رسانه‌ای و رقابت‌های ورزشی دسته‌بندی کرد، که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۱. رقابت‌های محلی و منطقه‌ای گازی عربستان و قطر

ابعاد منطقه‌ای رقابت گازی قطر و عربستان را می‌توان در چارچوب روابط و تعاملات کشورهای حوزه خلیج فارس و مسائل جهان عرب مورد تحلیل و بررسی قرار داد. از این منظر، بعد ژئوپلیتیکی رقابت ریاض و دوحه با محوریت گاز، ناشی از این موضوع است که درآمدهای کلان قطر از صادرات گاز مایع، موجب شد که درآمد سرانه سالانه قطر حدوداً به ۱۳۰ هزار دلار رسیده و با دستیابی دوحه به استقلال مالی از منبع درآمدی متفاوت از دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس، قطر به تدریج از دایره کنترل ریاض خارج شود. با توجه به افزایش تقاضا برای گاز طبیعی با هدف تولید برق و سوخت مورد نیاز ژنراتورها و توربین‌ها در کشورهای حاشیه خلیج فارس، به دلیل سختی و هزینه بالای اکتشاف، کشورهای مزبور ناگزیر هستند که به جای استخراج، به واردات گاز طبیعی متوسل شوند، امری که به نفع قطر است، زیرا کمترین هزینه استخراج در جهان در زمینه گاز را داراست. انتظار عربستان، امارات، بحرین و دیگر کشورها آن است که قطر گاز آنها را با نرخ‌گذاری براساس ملاحظات عربی تأمین کند (Anyotina, 2017). عدم توجه قطر به خواسته‌ها و توقعات عربستان، امارات و بحرین، ریاض را بر آن داشت که رقابت در حوزه گاز را از طریق سرمایه‌گذاری بر منابع گازی اکتشاف نشده خود همچنین سرمایه‌گذاری بر انرژی خورشیدی و تأسیس نیروگاههای برق خورشیدی تحت تأثیر قرار دهد. بر همین اساس، عربستان در تاریخ ۹ مارس ۲۰۱۹ م اعلام کرد که یک میدان گازی با ذخایر معادل هشت تریلیون فوت مکعب را در دریای سرخ کشف کرده است. با اکتشاف میدان گازی مذکور، عربستان، رسماً اعلام کرده که در تلاش برای رسیدن به جایگاه پنجم کشور اول تولیدکننده گاز طبیعی جهان خواهد بود. عربستان، مدعی است که ذخایر گاز مایع آن از مرز ۳۱۹ تریلیون فوت مکعب نیز عبور کرده است (Klamar, 18/01/2019). ریاض، مذاکرتی را با امارات و عمان نیز برای ایجاد خطوط لوله گاز آغاز کرده است. برنامه عربستان آن است که تا سال ۲۰۳۰ م به صادرکننده گاز مایع تبدیل شود. در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر نیز، عربستان به

دنبال رسیدن به موقعیتی است که ۷۰ درصد از انرژی مورد نیاز خود را از انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین کند و در حال حاضر نیز حدوداً ۴۰ گیگاوات ظرفیت انرژی خورشیدی دارد (Klamar, 18/01/2019). سافت‌بانک به عنوان بزرگترین شرکت سهامی عام جهانی اعلام کرده که قرارداد ۲۰۰ میلیارد دلاری جهت تأسیس بزرگترین نیروگاه خورشیدی را با عربستان سعودی به امضاء رسانده است و براساس قرارداد مزبور عربستان سعودی تا سال ۲۰۳۰ م، ۲۰۰ گیگاوات انرژی خورشیدی تولید خواهد کرد (Cox, 2019). امارت دیگر عضو ائتلاف عربی نیز در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۲۰ م، از اکتشاف بزرگ‌ترین میدان‌های گازی با ذخایری معادل ۸۰ تریلیون فوت مکعب در «منطقه جبل علی» واقع بین دو امارت ابوظبی و دبئی خبر داد. این کشف، از سال ۲۰۰۵ م به این سو، بزرگ‌ترین کشف منابع گازی پس از کشف «میدان گالکی نیش» ترکمنستان معرفی شد. اهمیت منابع گازی برای کشورهای حوزه خلیج فارس به حدی است که امارات، برنامه‌ای را در دست اجرا دارد که تا سال ۲۰۳۰ م به خودکفایی در این زمینه دست یابد اما تا این تاریخ حدود ۱۰ سال فاصله داشته و این بازه زمانی برای رقیب آنها یعنی قطر، بازه‌ای تعیین کننده در زمینه تسلط بر بازارهای بین‌المللی و نهادینه کردن روابط خود با مشتریان و انعقاد قراردادهای بلندمدت در سایه تحریم نفت و گاز دیگر تولیدکننده مطرح این حوزه یعنی ج.ا.ایران به شمار می‌آید.

جنبه دیگر از ابعاد منطقه‌ای رقابت عربستان و قطر با محوریت گاز، مربوط به نقشی است که قطر در نتیجه دستیابی به منابع گسترده مالی در سیاست خارجی منطقه‌ای برای خود تعریف کرده است. خروج از دایره سلطه و نفوذ عربستان، موجب شد دوحه نقش مستقلی را در سطح منطقه با اتکا بر درآمدهای کلانی که به دست آورده بود، برای خویش تعریف کند: روابط با ج.ا.ایران از جمله این موارد است. قطر بر خلاف کشورهای معروف به ائتلاف عربی با فشارها

۱. برای اطلاعات بیشتر، رجوع شود به:

<https://www.independent.co.uk/news/business/news/solar-power-saudi-arabia-softbank-masayoshi-son-energy-oil-a8277201.html>

علیه ایران همراهی نکرده و ترجیح داد روابط خود با تهران را براساس اصلی چون حسن همجواری و منافع مشترک ناشی از همکاری در میدان پارس جنوبی تعریف کند. نکته دیگر در این خصوص، ارتباط قطر با جریان‌های اسلامی از جمله اخوان المسلمین بود. با اتکا بر منابع مالی ناشی از فروش گاز، درآمدهای خطوط هوایی و گردشگری قطر توانست رویکرد مستقل خود از عربستان را در قبال بحران‌ها و پرونده‌های مطرح منطقه‌ای تعریف و پیگیری کند. روابط با گروه مقاومت اسلامی حماس بجای تاکید صرف بر روابط با جریان فتح و تشکیلات خودگردان فلسطین، پیشبرد ادغام حماس در دولت ملی فلسطین که در سفر مقامات قطری به غزه در سال ۲۰۱۲ م به اوج رسید یکی دیگر از این اقدامات است. قطر از این منظر، روابط خود را با جریان بین‌المللی اسلام‌گرای اخوان المسلمین گسترش و توسعه داده که خط قرمزی برای بسیاری از کشورهای عربی به شمار آمد که جریان‌های اسلام‌گرا را تهدید اصلی پیش‌روی حکومت‌های خود در نظر می‌گیرند.

۲-۴. سطوح بین‌المللی رقابت گازی عربستان و قطر

رقابت گازی قطر-عربستان به سطوح محلی و منطقه‌ای محدود نمانده و ابعاد بین‌المللی نیز پیدا کرده است. که در ادامه بدانها پرداخته می‌شود.

۱-۲-۴. تأسیس اوپک گازی با محوریت قطر در مقابل اوپک نفتی با محوریت عربستان

کشورهای صادرکننده گاز معتقدند که افزایش نیاز به گاز در بازارهای جهانی، لزوم هماهنگی و همکاری میان کشورهای صادرکننده گاز را دو چندان کرده است. بنابراین روندهای جهانی درباره افزایش تقاضا برای مصرف انرژی به همراه پایین بودن قیمت‌های گاز طبیعی در بازار که از زیان‌های ناشی از ناهماهنگی و عدم تعامل بین تولیدکنندگان و صادرکنندگان گاز دنیا ناشی می‌شود، از جمله مهم‌ترین دلایل اصلی تشکیل اوپک گازی محسوب می‌شوند (Rasouli, 2011:4).

با تشکیل اوپک گازی، قطر به سرعت به بازیگر مهم آن تبدیل شد. قطر ضمن تصاحب دوره اولین ریاست آن، میزبان دبیرخانه نیز به حساب می‌آید. قطر بی‌شک، در تعریف رویکرد خود نسبت به اوپک گازی، رقابت با عربستان را نیز از نظر دور نداشته است. بخصوص که رقیب

دوحه، بازیگر محوری در حوزه نفت بوده و بلوک یا محور عربستان، ائتلافی تعیین‌کننده در هرگونه سیاست‌گذاری و قیمت‌گذاری نفتی همچنین تعریف سهمیه اعضا در اوپک به شمار آمده و از این زاویه دید، طبیعی است که دوحه نیز چنین نقشی را برای خود در عرصه صادرات گاز قائل شود. پس از تأسیس مجمع کشورهای صادرکننده گاز، قطر نیز در اعتراض به آنچه سلطه یک کشور بر اوپک نفتی عنوان کرد، از اوپک در سال ۲۰۱۸ م خارج شد (Pashang, 2018).

۲-۲-۴. توسعه روابط اقتصادی فرامنطقه‌ای با محوریت انرژی و به طور خاص گاز

قطر، توسعه روابط اقتصادی خود را برپایه ایجاد روابط با قدرت‌ها و شرکت‌های بین‌المللی قرار داده است؛ قدرت‌هایی مانند روسیه و سرمایه‌گذاری ۲,۷ میلیارد دلاری قطر در آن کشور از طریق خرید شرکت انرژی «روسنفت» همگی بخشی از تلاش‌های قطر برای ایفای نقش مستقل هستند (Anyotina, 2017). رقابت بر سر بازارها و مشتریان بین‌المللی، رویکردی است که طی سالیان اخیر به حالتی گسترده توسط عربستان و قطر دنبال شده است. به بیانی ساده‌تر، موفقیت قطر در بازاریابی منابع گاز مایع با واکنش و اقدام پیشدستانه آرامکو عربستان در راستای آمادگی برای تأمین نفت آن کشور مواجه می‌شد. در تاریخ ۲۶/۰۹/۲۰۱۷ م شبکه الجزیره قطر از امضای قرار صادرات ۲,۵ میلیون تن گاز مایع قطر به بنگلادش به طرفیت شرکت پتروبنگال در مدتی قریب به ۱۵ سال خبر داد. در همان بازه زمانی، آرامکو نیز قراردادی را با بنگلادش برای تأمین نفت مورد نیاز آن به امضا رساند. قطر و شرکت‌های گازی آن به بیش از ۲۷ کشور جهان گاز صادر می‌کند. در سال ۲۰۱۷ م، قطر موفق شد قراردادی را برای تأمین سالیانه یک میلیون و صد هزار تن گاز مایع مورد نیاز شرکت شل به مدت ۵ سال منعقد کند. قراردادی که از سال ۲۰۱۹ م اجرایی شد (Al-Jazeera News Agency, 2017). علاوه بر آن، هند نیز که یکی از خریداران گاز مایع قطر است در سال ۲۰۱۷ م از آمادگی خود برای واگذاری نیروگاه‌های برق که وابسته به گاز قطر به عنوان سوخت اولیه هستند، خبر داد مشروط به اینکه قطر از طریق قراردادهای بلندمدت تأمین گاز مورد نیاز این نیروگاه‌ها را تضمین کند (Al-Jazeera News Agency, 2017).

راهبرد دیگر قطر و البته عربستان، جلب همکاری و گره زدن منافع غول‌های انرژی با بهره‌برداری و توسعه میادین گاز و نفت خود است. براین اساس، قطر، شرکت‌های توتال، شل، اکسون موبیل، کونوکو فیلیپس را برای توسعه میادین شمالی فراخوانده و قراردادی ۲۵ ساله را با توتال برای توسعه میادین نفت و گاز شاهین به امضا رسانده است. گره خوردن منافع شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفت و گاز با منافع قطر، به دوحه ابزاری سیاسی برای استفاده علیه دیگر رقبا از جمله عربستان سعودی می‌بخشد (France24, 11/07/2017). شرکت آرامکو عربستان نیز طی سالیان اخیر، ضمن سرمایه‌گذاری‌های گسترده در گوشه و کنار جهان از جمله سرمایه‌گذاری مشترک با روسیه در میادین گاز سیبری، همچنین خرید سهام شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکا، شرکت در مناقصه‌های احداث پالایشگاه‌ها از جمله سرمایه‌گذاری در بخش پتروشیمی هند علاوه بر آن، ورود این شرکت به عرصه واسطه‌گری فروش نفت و محصولات پتروشیمی موجب شده تا آرامکو از یک شرکتی صرفاً نفتی سعودی به شرکتی چندجانبه و بین‌المللی تبدیل شود که هم در حوزه پتروشیمی و هم در حوزه گاز فعال بوده و از طریق دفتر بین‌المللی خود، واسطه‌گری فروش یعنی خرید نفت و فروش آن به دیگر مشتریان را نیز به راهبردهای اقتصادی و تجاری خود بیفزاید. آرامکو با خرید سهام شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکا، تلاش کرده است اهرمی قوی به عنوان لابی نفتی را در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در کشورهای چون ایالات متحده به دست آورده و در پیشبرد رقابت‌های منطقه‌ای خود از آن بهره‌برد (Klamar, 18/01/2019).

۳-۲-۴. سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی

وجه دیگر رقابت عربستان و قطر تلاش برای مشارکت تأمین سرمایه برندهای معتبر در صنایع مختلف در ابعاد جهانی است. قطر، زودتر از دیگر رقبای خود به حوزه سرمایه‌گذاری بین‌المللی ورود کرد. رویکرد قطر برای کسب وجهه و پرستیژ، توجه به برندها و طرح‌های بزرگ بین‌المللی در آمریکا و اروپا مانند مجتمع تجاری هارودز، شرکت‌های خودروسازی پورشه، فولکس واگن و سایر شرکت‌ها بوده و پیش از دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس به سرمایه‌گذاری بین‌المللی توجه نشان داده است. همین امر، موجب شد تا نام قطر، بنیاد قطر، بانک قطر یا خطوط قطر بر روی برج‌های مطرح جهان، هتل‌های فوق مدرن جهان و پیراهن‌های معروف‌ترین باشگاه‌های

ورزشی دیده شود (Al-Salem, 2019) رقابت در این حوزه از سوی عربستان نیز به گستردگی دنبال شده است. عربستان در چارچوب برنامه ۲۰۳۰ و پیش از آن نیز، روابط با شرکت‌های بزرگ جهان از جمله مایکروسافت، کمپانی‌های بزرگ نفتی، پروژه‌های مطرح تجاری در آمریکا و اروپا را هدف‌گذاری کرده است. در این راستا، سفر ولیعهد عربستان به آمریکا و دیدار با مدیران این شرکت‌ها با هدف بهره‌برداری از قابلیت‌های فنی و تکنولوژیک آمریکا در راستای تحقق اهداف برنامه ۲۰۳۰ بوده است. بررسی برنامه سفر بن سلمان به آمریکا و ملاقات‌هایی که وی به انجام رساند بیانگر این امر است که بیش از دو سوم زمان سفر وی در ملاقات با شخصیت‌ها و مدیران ارشد شرکت‌های تجاری-اقتصادی اختصاص یافته است. این مورد که در نوع خود در تعاملات بین دو طرف کم سابقه بوده، بیانگر اهمیت بیش از پیش جلب مشارکت و حمایت دولت و بخش خصوصی آمریکا در اجرای آنچه طرح ۲۰۳۰ خوانده می‌شود، است.

۳-۴. رقابت خطوط هواپیمایی و تورسیم

کشورهای عضو ائتلاف عربی از جمله عربستان و امارات، رقابت خود با قطر را محدود به حوزه انرژی نکرده و این کشورها در زمینه گردشگری و خطوط هوایی رقابت شدیدی را تجربه می‌کنند اگرچه این رقابت اخیر تحت تأثیر همه‌گیری بیماری کرونا قرار گرفته است. این رقابت در تدوین چشم انداز ۲۰۳۰ دو کشور عربستان و قطر نیز قابل رهگیری است. در چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان، تاکید شده است که ریاض تمایل دارد ظرفیت مذهبی اماکن مقدسه اسلامی خود را به ظرفیت گردشگری تبدیل کرده و بدین منظور با گسترش امکانات و تاسیسات، شهرهای مکه و مدینه منوره به فریضه حج فارغ از جنبه مذهبی آن بعد گردشگری نیز ببخشد. بر همین اساس، توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل شهری، توسعه ظرفیت‌های اقامتی، احداث بزرگترین موزه تاریخ اسلام با استفاده از فناوری‌های دیجیتالی و سه بعدی از جمله این اقدامات پیش بینی شده توسط عربستان است.

در سوی دیگر، رقابت خطوط هوایی قطر و امارات رقابتی دیرینه با هدف گسترش بازارها، ترانزیت و جذب مشتریان بیشتر است به نحوی که در میانه محاصره و تحریم قطر توسط کشورهای عربستان، امارات، بحرین و بsten حریم هوایی کشورهای خود بر روی هواپیماهای

قطری، شرکت خطوط هوایی قطر بر پیشبرد استراتژی توسعه‌ای خود تاکید داشته و اعلام کرد که در سال مالی ۲۰۱۷-۲۰۱۶ میلادی سود خالص این شرکت رشدی معادل ۲۱,۷ درصد را محقق کرده و از ۴۴۴ میلیون دلار در سال مالی قبل به ۵۴۹ میلیون دلار در سال مالی جدید دست یافته است (Al-Jazeera News Agency, 2017). خطوط هوایی قطر، بیش از ۲۰۰ هواپیمای مدرن مسافربری دارد (Marzouq, 2017).

این کشور همچنین راهبرد خاص خود را برای جذب بیشتر گردشگران دنبال می‌کند. گردشگری ۱۱,۴٪ از تولید ناخالص داخلی قطر را تشکیل می‌دهد. در سال ۲۰۰۴، دولت طرحی را برای سرمایه‌گذاری ۱۵ میلیارد دلار در پروژه‌های گردشگری اعلام کرد. در سال ۲۰۰۵ بیش از ۳ میلیون و ۲۵۰ هزار گردشگر از قطر بازدید کردند، رقمی که در پایان سال ۲۰۱۱ قریب به ۱,۵ میلیون نفر بر آن افزوده شد. در همین مدت، تعداد اتاق‌های هتل‌های چهار و پنج ستاره از ۲۸۰۰ به ۱۶,۵۰۰ افزایش یافت تا آنجا که سرمایه‌گذاران قطری اقدام به ساخت هتل‌هایی در کشورهای همسایه در مجاورت مرزهای این کشور کردند. تا به امروز، ۲۸٪ از گردشگران قطر از اروپا، ۲۰٪ گردشگران داخلی از جمله کارگران و نیروی کار خارجی مقیم قطر، ۱۶٪ از کشورهای همسایه عمدتاً خاورمیانه‌ای، ۱۵٪ از قاره آمریکا و ۱۵٪ نیز از منطقه آسیا / اقیانوس آرام بوده‌اند. قطر به دنبال دستیابی به «گردشگری پایدار» است. در این راستا، چندین پروژه فرهنگی در دوحه اجرا شده است: تأسیس موزه ملی فوق مدرن قطر، موزه هنرهای اسلامی، احداث کتابخانه ملی قطر توسط شرکت‌های معماری ژاپن، احداث موزه عکاسی قطر همچنین احداث مجتمع‌های تفریحی و اقامتی ساحلی در الفرج و المفجر، و در نهایت، توسعه ساحل طولانی قطر از جمله این اقدامات هستند. میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ م با ورزشگاه‌های فوق مدرن و همچنین بازی‌های ۲۰۲۱ م مهم‌ترین اقدامات قطر در این رقابت دیرینه با عربستان و سایرین است (Fank, 2020). قطر با هدف توسعه زیرساخت‌های خود، بودجه‌ای ۲۱,۶ میلیارد دلاری را برای چهار پروژه پل هوایی قطر به بحرین به ارزش ۲,۷ میلیارد دلار، توسعه فرودگاه دوحه با هدف دستیابی به ظرفیت ۵۰ میلیون مسافر در سال، پروژه بندری المساعید در فاصله ۳۵ کیلومتری پایتخت، پروژه قطار شهری، خط آهن و مترو دوحه و مناطق اطراف اختصاص داده است. در

مقابل این طرح‌های قطر، پروژه شهر بین‌المللی نیوم عربستان، با مشارکت مصر، اردن و رژیم اسرائیل، قرار دارد. شهر نیوم با سرمایه‌ای قریب به ۵۰۰ میلیارد دلار در حال احداث است. قرار است که این پروژه بین‌المللی در آینده به مرکزی برای گردشگری و بانکداری جهان تبدیل شود.

۴-۴. رقابت در حوزه رسانه‌ای

دو شبکه الجزیره و العربیه، رقابتی دیرینه و ملموس هم در سطح منطقه و هم در سطح بین‌المللی دارند. در اواخر دهه ۹۰ میلادی تأسیس رسانه‌های ماهواره‌ای قدرتمند و متمایز عربی با موجی از شگفتی و هیجان، افکار عمومی جهان عرب را به خود معطوف داشت. تأسیس شبکه الجزیره قطر در سال ۱۹۹۶ میلادی نقطه عطف این حرکت شمرده می‌شود. شبکه‌ای که توسط امیر سابق قطر و سرمایه‌گذاری اولیه که در حدود ۱۵۰ میلیون دلار عنوان می‌شود ایجاد و آغاز به کار کرد. این شبکه تلاش نمود تا در قامت یک رسانه منطقه‌ای و بین‌المللی حرفه‌ای که از استانداردهای سایر برندهای رسانه‌ای دنیا برخوردار است، ظاهر شود و با دعوت و بکارگیری صدها تن از مشهورترین فعالان رسانه‌ای عرب از ملیت‌های مختلف، تجربه جدیدی را در میان رسانه‌های منطقه بنیان نهد. تجربه‌ای که به گفته «وضاح خنفر» از مؤسسان و مدیر سابق این شبکه به دنبال آن بود تا صدای مردم و جوانان خیابان‌های عربی باشد که به دنبال فضا و تریبونی مستقل برای شنیدن و انعکاس صدای خویش بودند. این بنگاه رسانه‌ای چند ملیتی علاوه بر آن تلاش نمود تنوعی از محصولات رسانه‌ای را برای هر خانوار عرب به ارمغان آورد و تبدیل به انتخاب اول و نهایی غالب اقشار عرب شود. الجزیره که با پخش اختصاصی ویدئوهای بن لادن به شهرتی بی نظیر رسیده بود، مخاطبانی جدی در میان سران و مقامات کشورها داشت. علاوه بر این با شعار ممتاز «الرأى والرأى الآخر» توانست خود را پرچمدار آزاداندیشی و آزادی بیان که گمشده جوانان و فرهیختگان عرب بود، به شمار آورد و تریبون و ایستگاه تبادل آراء جمع کثیر و متنوعی از صاحب‌نظران در کشورهای مختلف باشد. پیوند میان دین و زندگی در قالب برنامه «الشريعة والحياه» برای عمومیت یافتن «بیداری اسلامی» با قرائت اسلام‌گرایان مورد توجه قطر و راهبری آن با دعوت از شهیرترین مفتیان و فقیهان عرب و تأسیس فراگیرترین منبر اسلامی بر روی آنتن زنده، از دیگر جلوه‌های الجزیره بود. در همین حال درگاه مجازی تعاملی الجزیره در اینترنت

منعطف و منطبق با سبک زندگی و ذائقه و سلیقه نسل‌های خو گرفته با شبکه‌های اجتماعی بود. تأسیس کانال «الجزیره مباشر مصر» به مثابه شبکه‌ای بومی برای مصر در جریان انقلاب ۲۵ ژانویه اوج دیپلماسی رسانه‌ای دولت قطر در قلب تحولات این کشور مهم عربی بود. یکه تازی الجزیره، سایر دول محوری در غرب آسیا با برخورداری از منافع استراتژیک در این منطقه را به تأسیس رسانه‌های فرامحلی به زبان عربی کشاند. شبکه «العربیه» با شعار «آگاهی بیشتر» و با سرمایه‌گذاری سعودی، از شهرک رسانه‌ای دوبی آغاز به کار کرد و با شبیه‌سازی عناصر موفقیت الجزیره مانند شبکه گسترده‌ای از خبرنگاران در اقصی نقاط کشورهای عربی و اسلامی و همچنین پایتخت‌های اروپایی، آمریکا، آفریقا و حتی دقت و ظرافت و سرمایه‌گذاری بالا در جزئیاتی مانند گرافیک و طراحی، مورد توجه قرار گرفت. شایان ذکر است: شبکه «العربیه» متکی و برآمده از یک دهه تجارب بین‌المللی موفق سعودی با روزنامه‌های فرمانطقه‌ای شناخته شده‌ای مانند الشرق الأوسط و الحیاه است که سال‌ها همزمان در لندن و چندین پایتخت عربی چاپ و توزیع می‌شود. این رقابت با تأسیس سایت‌ها و شبکه‌های خبری دیگر از سوی محور عربستان، امارات متحده عربی و بحرین از یکسو و قطر از سوی دیگر به شکلی جدی دنبال شده است. بر همین اساس، شاهزاده سعودی ولید بن طلال جدای از تملک چندین شبکه تلویزیونی از جمله «ام بی سی» در سال ۲۰۱۲ م شبکه خبری العرب را برای همراهی کردن با تغییر و تحولات معروف به انقلاب‌های خاورمیانه، راه‌اندازی کرد. آنچه در آن تصمیم حائز اهمیت به شمار می‌رفت اثرگذاری واضح الجزیره بر سمت و سوی تحولات و احساس نیاز عربستان برای ایفای نقش موازی بود. همسو با عربستان، امارات نیز از این عرصه رقابت غافل نمانده، سرویس عربی خبرگزاری بین‌المللی اسکای نیوز را با چندین شعبه و دفتر در لندن، واشنگتن، پاریس، قاهره، ریاض، دمشق، بغداد، بیروت و کوالالامپور در سال ۲۰۱۲ م تأسیس کرد (Iranian Diplomacy, 2012). تولد و تاثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی مجازی، عربستان را واداشت به آنکه، توازنی که به نفع الجزیره قطر در حوزه رسانه‌ای شکل گرفته بود را، تغییر دهد. از این منظر بود که ریاض سهام شبکه اجتماعی توئیتر را خریداری و سرورهای واتساپ را به خاک عربستان منتقل کرد. این امر، ثابت می‌کند رقابتی که ماهیتی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک داشته،

محدود به حوزه اقتصاد و سیاست نمانده و حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار داده و تبدیل به اهرمی در رقابت‌های کلان بین این کشورها شده است.

۴-۵. رقابت‌های ورزشی

رقابت ورزشی عربستان و قطر، از دیگر حوزه‌های رقابتی بین این دو کشور است. با توجه به اهمیت فوتبال در شبه جزیره عربستان، لیگ‌های فوتبال دو کشور در این رقابت جایگاه ویژه دارند. بازیکنان در دو لیگ، به محض نارضایی، لیگ کشور رقیب را به عنوان مقصد بعدی خود انتخاب می‌کنند. قطر برای کسب جایگاه در زمینه رقابت ورزشی، از تاکتیک اعطای ملیت قطری به ورزشکاران مدال‌آور جهان از کشورهای مختلف بهره برده است. به همین دلیل، اغلب ورزشکاران قطری، دوملیتی بوده یا تابعیت قطر را اخذ کرده‌اند. اوج رقابت دو کشور در حوزه ورزش، تلاش برای کسب میزبانی بازی‌های بین‌المللی و قاره‌ای است که مهم‌ترین آن، میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ م و بازی‌های بین‌المللی ۲۰۲۱ م، توسط قطر بوده که در حد پروژه‌ای کلان و غیرقابل ارزش‌گذاری است. تمایل دوحه برای اثبات شایستگی خود برای میزبانی این بازی‌ها، موجب شد تا دولت قطر تمامی تاسیسات و تجهیزات مورد نیاز میزبانی جام جهانی را مطابق اعلام کنفدراسیون بین‌المللی فوتبال فیفا فراهم کند.

۵. تجزیه و تحلیل

خاورمیانه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و دارا بودن ذخایر انرژی و منابع اقتصادی و حوزه‌های تمدنی و ایدئولوژیکی محل تلاقی منافع و منازعه میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای است. هر یک از بازیگران ذی‌نفع و تأثیرگذار تلاش می‌کند محیط و قواعد بازی را به گونه‌ای مدیریت کند که منافع حداکثری خود را در این منطقه تضمین نماید. خاورمیانه، محدوده جغرافیایی پیچیده‌ای دارد و وقایع آن در بیش از یکصد سال گذشته، جهان را متأثر کرده است. از مؤلفه‌های اثرگذار بر روند تحولات جهانی در خاورمیانه پس از مباحث ایدئولوژیک می‌توان به نفت و مناقشات میان مسلمانان و رژیم صهیونیستی اشاره داشت. هرچند موضوعات دیگری در حوزه‌های سرزمینی و اجتماعی خاورمیانه را به سمت منازعات گسترده پیش می‌برد، اما امروزه منازعه در مقیاس استراتژیک و مبتنی بر منافع قدرت‌ها در این منطقه جریان دارد. چالش‌های جدید در

خاورمیانه به پژوهش‌های ژرف و همه‌جانبه نیاز دارد و قضاوت در مورد مسائل بی‌شماری که اکنون منطقه و جهان را متأثر کرده به تحقیقات میدانی وسیعی نیازمند است اما بررسی وضعیت منطقه در طی یک دهه گذشته نشان می‌دهد که تغییرات بسیار جدی در صفحات امنیتی و سیاسی منطقه پدید آمده است و مواضع سیاسی رهبران منطقه و سیاستمداران باید منطبق با الگوهای جدید ارائه شود (Mossalanejad, 2012 B:38). نفت و گاز طبیعی، سنگ بنای اقتصاد قطر است و بیش از ۷۰٪ از کل درآمد دولت، بیش از ۶۰٪ تولید ناخالص داخلی و تقریباً ۸۵٪ درآمد صادراتی را به خود اختصاص می‌دهد. قطر دارای سومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی اثبات شده در جهان و دومین صادر کننده گاز طبیعی بوده که سالیانه قریب به ۱۰۰ میلیون تن گاز طبیعی مایع صادر می‌کند (Al-Jazeera News Agency, 2017). از این منظر، اقتصاد قطر یک اقتصاد کاملاً وابسته به گاز محسوب می‌شود.

قطر در برنامه شش ساله اول توسعه ملی خود (۲۰۱۶-۲۰۱۱) پیش‌بینی کرد که توسعه میدان شمالی را تا پایان سال ۲۰۱۵ تکمیل و از طریق حصول اهداف این برنامه، نوعی دگرگونی اساسی و چشمگیر در اقتصاد خود به وجود خواهد آورد و به این اهداف نیز دست یافت. در استراتژی اول از برنامه اول توسعه ملی قطر (۲۰۱۶-۲۰۱۱) با هدف تحقق توسعه اقتصادی، دولت متعهد به بهره‌برداری مسئولانه از منابع هیدروکربنی قطر و سرمایه‌گذاری عاقلانه از درآمدهای حاصل به نفع نسل آینده شده است. این موضوع، اهمیت گاز در راهبردهای کلان قطر را به نمایش می‌گذارد. در چارچوب سند ۲۰۳۰ نیز، توسعه اقتصادی قطر مبتنی بر رفاه و بهبود معیشت در بلندمدت بر مدیریت عاقلانه منابع تجدیدناپذیر قرار داده شده تا نسل‌های آینده به میزان کافی از آن بهره‌مند شوند. این شرایط مستلزم استفاده بهینه از منابع تجدیدناپذیر و ایجاد تعادل بین ذخایر هیدروکربنی و تولید و همچنین بین تنوع اقتصادی و تخلیه مخازن هیدروکربنی است. براین اساس اسناد راهبردی قطر تصریح می‌کند که توسعه قطر با محوریت نفت و گاز باید متضمن موارد ذیل باشد: مسئولیت‌پذیری در بهره‌برداری از منابع نفت و گاز؛ بهره‌برداری بهینه از منابع هیدروکربنی، ایجاد تعادل بین حجم ذخایر، تولید و تعادل بین تنوع بخشی به نظام اقتصادی با میزان تخلیه مخازن هیدروکربنی؛ توسعه کامل صنعت گاز به منظور

فراهم آوردن منابع انرژی پاک برای قطر و جهان؛ محافظت و نگهداری بلندمدت از ذخایر استراتژیک نفت و گاز به منظور پاسخگویی به نیازهای امنیت ملی و توسعه پایدار. این موارد ثابت می‌کنند که گاز، کالایی استراتژیک برای قطر در اسناد چشم اندازی آن تعریف شده که می‌بایست بار توسعه این کشور را بر دوش کشد. به این دلیل، اهمیت و حساسیت آن، هم برای قطر و هم برای رقبا قابل فهم و درک است (Ghafari, Taklif, 2015:173).

از این روست که تنش‌ها و رقابت‌های عربستان و قطر که حالتی پنهان و بالقوه داشت با صدور اولین محموله گاز طبیعی قطر از میدان‌های شمالی در حوزه خلیج فارس (پارس جنوبی) که تقریباً بیشتر گاز قطر را شامل شده و قریب به ۲۰ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان را دربر می‌گیرد، به حالت بالفعل یا علنی تبدیل شد. بخصوص که قطر در این میادین شریکی به نام جمهوری اسلامی ایران دارد که رقیب سنتی عربستان سعودی در منطقه است. این امر، موجب شد بتدریج رقابت قطر و عربستان با محوریت انرژی، ابعادی منطقه‌ای و بین‌المللی بیابد. با این وجود، پیش از تشدید تنش‌ها، رویکرد قطر همراهی با خواسته‌ها و مطالبات کشورهای حوزه خلیج فارس بوده که شاهد این ادعا، خطوط لوله احداثی قطر بین دیگر همسایگان است. برای مثال، پروژه خط لوله دلفین یک شبکه خط لوله گاز طبیعی است که قطر، امارات و عمان را به هم متصل می‌کند همچنین طرح احداث خط لوله بین‌المللی برای صادرات به کشورهای کویت، بحرین و پاکستان از دیگر طرح‌های مهم در این حوزه بود اما در نهایت، ابعاد رقابت با موضوعات تنش‌زا بر همکاری‌های احتمالی سایه افکنده و هرگونه همکاری در این خصوص را ناکام گذاشت (Moazami et al, 2013).

۶. نتیجه

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل مناسبات کشورهای جهان در حوزه‌های مختلف نمی‌تواند جدا از اقتصاد سیاسی و به تبع آن سیاست‌های اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا و در قالب تحلیل ژئوپلیتیکی می‌توان با کاربری اقتصاد سیاسی و ژئواکونومی به تحلیل‌های دقیق‌تری نیز دست یافت. آنچه در این نوشتار بیشتر روی آن تأکید شده است، تلاش برای برجسته کردن چارچوب تحلیلی اقتصاد سیاسی در جریان رقابت‌های بازیگران مختلف در

مقیاس‌های گوناگون است. از این رو بر وجوه رقابت عربستان و قطر به عنوان دو رقیب در شبه جزیره عربی از منظر ژئواکونومی تمرکز گردیده است.

عوامل متعددی باعث شده تا عربستان سعودی در جهان اسلام دارای جایگاه ویژه‌ای باشد. از جمله این عوامل می‌توان به قرار گرفتن سرزمین حجاز در این کشور، ظهور اسلام در حجاز، قداست ویژه مکه مکرمه و مدینه منوره برای مسلمین، اهتمام مسلمین به شرکت در حج، دارا بودن منابع مهم هیدروکربنی و پشتوانه مالی زیاد اشاره کرد. عربستان سعودی همواره سعی نموده است تا با گسترش تفکر وهابیت زمام امور مسلمین را در دست گیرد. بدین ترتیب در زمینه‌های مختلف و با دیگر کشورها دچار رقابت، اختلافات و تعارضات عمیق شده است. یکی از مهم‌ترین این کشورها قطر است که با تکیه بر منابع گازی خود به عنوان یک رقیب سلطه و رهبری عربستان را به چالش کشیده است. آنچه که بیش از هر عاملی در ارتباط با رفتارهای قطر مورد اعتراض و مخالفت دیگر کشورهای عربی چون عربستان، امارات و بحرین قرار دارد. آن‌ها بر این نکته اصرار دارند که قطر باید به ائتلاف ضدایرانی پیوسته و تلاشش را متوجه مقابله با جمهوری اسلامی ایران کند. علاوه بر نحوه تعاملات و رابطه با ایران، حمایت‌های مادی و معنوی قطر از قرائت اخوانی نیز یکی دیگر از مبانی تشدید رقابت‌ها و اختلافات این کشور با سایر کشورهای منطقه با محوریت عربستان است. اهمیت رقابت عربستان و قطر به حدی است که وال استریت ژورنال رسماً فاش کرد که عربستان در سال ۲۰۱۷ م طرحی را برای حمله به قطر و تصرف منابع گازی آن در خلیج فارس در دستورکار داشته است اما اطلاع آمریکا از طرح مذکور و دیپلماسی پنهانی که صورت گرفته، این طرح را ناکام گذاشته است. همین امر مبین اهمیت نقش منابع گازی به عنوان پیشران و موتور محرکه رقابت‌های منطقه‌ای این کشور با عربستان است. رقابت قطر و عربستان در چارچوب ژئواکونومی را می‌توان در قالب مدل ذیل به نمایش گذاشت:

References

1. Ahmadi, S.; Hafeznia, M.; Badiie Azondahi, M.; Heidari Mosello, T. (2018). Theoretical Explanation of the Foundations Forming Geopolitical Competition. *Human Geography Research*, 50(1), 199-216. doi: 10.22059/jhgr.2017.61888. **[In Persian]**
2. Ahmadipor, Z., Ghaderi Hajat, M., Mollahossiani Ardakany, R. (2013). Modeling of Place Rivalries Due to Place Amour in Cultural Congruent Vicinal (Case Study: Ardakn and Meybod in Yazd Province). *Human Geography Research*, 45(1), 147-168. doi: 10.22059/jhgr.2013.30043. **[In Persian]**
3. Al-Jazeera News Agency (05/23/2019). "The Wall Street Journal: The North Field behind a Saudi plan to invade Qatar," available at the following link: <https://bit.ly/3irX9NE>. **[In Arabic]**
4. Al-Jazeera News Agency (6/17/2017). "An agreement to supply Shell with Qatari gas for five years", available at the following link: <https://bit.ly/2BWFxsy>. **[In Arabic]**
5. Al-Jazeera News Agency (6/20/2017). "India is seeking a gas agreement with Qatar to operate power stations," available at the following link: <https://bit.ly/2VCZtaL>. **[In Arabic]**
6. Al-Jazeera News Agency (7/21/2017). "Increasing Qatar's Gas Production Curbing the Growth of America's Exports", [In Arabic], available at the following link: <https://bit.ly/3eTcEfr>.
7. Al-Jazeera News Agency (9/26/2017). "Despite the blockade ... an agreement to export Qatari gas to Bangladesh", available at the following link: <https://bit.ly/31znEe8>. **[In Arabic]**
8. Al-Salem, A (2019). "The Real Causes of the Blockade of Qatar", Wasam website, available at the following link: <https://bit.ly/2ZGi6w2>. **[In Arabic]**
9. Anyotina, N (06.06.2017). "Bloomberg reveals the cause of the dispute between Saudi Arabia and Qatar," Russia Today [In Arabic], available at the following link: <https://bit.ly/2YQAByA>.
10. Clark, T.N; Harvey, R, (2010). Urban Politics. in K.T. leicht & J.C.Jenkins (eds), *Hand Book of politics and State and Society in Global Perspective*. New York: springer publications
11. Cox, J (2019). "Saudi Arabia and Japan's Softbank to create world's biggest solar power project", *The Independent*, available at: <https://bit.ly/2AxBO4w>.
12. Edel, M (2013). *Urban and regional economics: Marxist perspectives (Vol. 3)*. Taylor & Francis.
13. Fank (2020). *Economy in Qatar*, , available at the following link: <https://fanack.com/en/qatar/economy/>. **[In Arabic]**

14. French News Agency (07/11/2017). "Total and Qatar Petroleum establish a company to develop Al Shaheen offshore field," available at the following link: <https://bit.ly/2YPFCXZ>.**[In Arabic]**
15. Gallaher, C.; Dahلمان, C. T.; Gilmartin, M.; Mountz, A.; Shirlow, P, (2009). Key concepts in political geography. Sage.
16. Ghafari, A.; Taklif, A (2015). The Application of Rational Model in Strategic Decision-making for Maximum Efficient Recovery from "South Pars-North Dome" Joint Field: A Conceptual Model with Emphasis on Legal Requirements,. 10.22054/jiee.2016.1896.**[In Persian]**
17. Hafeznia, M. R (2007). Principles and Concepts of Geopolitics (new edition with revision), Mashhad, Publications: Papli.**[In Persian]**
18. Iranian Diplomacy News Analytical Database (2012). "Arabic Sky News Network, Al Jazeera and Al Arabiya's New Rival", Code: 1900946, available at: <https://bit.ly/31JkTHg> .**[In Persian]**
19. Khodadad Kashi, F. (2009). Competing Views of Competition and the Condition of Rivalry in Iranian Economy. qjerp., 17 (51):25-40.**[In Persian]**
20. Klamar, J (18/01.2019). "The Saudi Arabia will become the largest gas exporter in cooperation with Russia", Sputnik News, available at: <https://bit.ly/3isukAY>.
21. Mahmoud, Sh (2019). Urban Sociology, 11 Edition, Samat Publications.**[In Persian]**
22. Marzouq, A (2017). "From the Berlin Siege to the Siege of Qatar", The Gulf House website, available at the following link: <https://gulfhouse.org/posts/2231/>.**[In Arabic]**
23. Moazami, M; Jokar, S (2013). Qatar Oil and Gas Report, Institute of International Energy Studies, Ministry of Oil of the Islamic Republic of Iran, National Energy Report, No. 5, pp. 13-1.**[In Persian]**
24. Moemeni, F; Zamani, R (2014). An Analysis of Pattern of Development in Iran between Two Revolutions Based on Political Economy and Social Order. Strategy, 22(4), 7-39.**[In Persian]**
25. Mohammadifar, Y., Ahmadian, G., Heshmati, A. (2019). The Consequence of National Branding for Iran with Emphasis on Political and Economic Dimensions. International Political Economy Studies, 2(1), 25-56. doi: 10.22126/ipes.2019.4452.1167.**[In Persian]**
26. Mokhtari Hashi, H. (2018). Explaining the Concept of Geoeconomics and Recommendations for Iran. Geopolitics Quarterly, 14(50), 56-82.**[In Persian]**
27. Mosalanejad, A. (2014). Extending geopolitical rivalries to identity conflicts in the Middle East. World Politics, 3(3), 7-34.**[In Persian]**
28. Mosallanejad, A (2014), Economic Policy, Model, Method and Process, Third Edition, Tehran, Publications: New Occurrence.**[In Persian]**

29. Mosallanejad, A (2019), Political Economy Basics, Function and Process, Fifth Edition, Tehran, Publications: University of Tehran. **[In Persian]**
30. Mossalanejad, A. (2012, A). Explanation Shiite Identity Seeking and the Middle East's New Geopolitics. *Geopolitics Quarterly*, 8(25), 135-171. **[In Persian]**
31. Mossalanejad, A. (2012, B). Effects of the Security Instability on the Balance of Power in the Middle East. *Geopolitics Quarterly*, 8(27), 35-59. **[In Persian]**
32. Newspaper statement (4 Fawry 2020). "Gas discovery in the Jebel Ali field with reserves of 80 trillion cubic feet", Dubai, available at the following link: <https://www.albayan.ae/across-the-uae/news-and-reports/2020-02-04-1.3769406>. **[In Arabic]**
33. Pashang, M (2018). "Consequences of Qatar's Exit from OPEC and the International Energy Market", Center for Strategic Research in the Middle East, available at: <https://www.cmess.ir/Page/View/2018-12-10/2463>. **[In Persian]**
34. Porter, M.E, (1979). "How Competitive Forces Shape Strategy", *Harvard Business Review*, May 1979 (Vol. 57, No. 2), pp. 137-145.
35. Qatar News Agency (QNA) (12/06/2017). "Annual profits of Qatar Airways rise by 22%," available on Al-Jazeera website, at the following link: <https://bit.ly/2NLBQsz>. **[In Arabic]**
36. Rasouli, N (2011). "Gas Power Exposure", *Etemad Newspaper*, No. 2310, p. 4. Available at: <https://www.magiran.com/article/2397755>. **[In Persian]**
37. Soilen, K.S (2010). the Shift from Geopolitics to Geo-economics and the Failure of Our Modern Social Sciences," *Electronic Research Archive*, Blekinge Institute of Technology, 2010.
38. Zieleniec, A (2007). *Space and social theory*, SAGE Publications Ltd.